

گزارش کارگاه آموزشی «راهبردهای اثربخش برای موفقیت عضو هیأت علمی در ایران» ویژه اعضای

هیأت علمی جدید الاستفدام

مدرس: دکتر مجید شیخ محمدی عضو هیأت علمی دانشکده مهندسی صنایع

سخنرانان مهمان: دکتر استادی و دکتر احسان نیک بخش

آنچه در این کارگاه ارائه شد حاصل تجربه زیسته مدرس در طی سال های تحصیل و تدریس و پژوهش به عنوان دانشجو و هیأت علمی بود. مزید اطلاع مخاطبان گرامی، بخش هایی از مطالب ارائه شده به شرح زیر و بصورت اجمال آورده شده است.

جوهره اصلی کلمه استراتژیک در واقع رقابتی بودن است. برخی کارها کارآیی دارد ولی چون رقابتی نیست پس استراتژیک و اثربخش نیست. باید در وظایف یک عضو هیأت علمی تعادل ایجاد شود. وظایف هیأت علمی دارای 4 رکن است.

1. Teaching 2. Research 3. خدمات اجتماعی (مشاوره به سازمان های خارج دانشگاه)

4. سرویس (خدمات اداری و اجرایی)

تعادل بین این 4 رکن یکی از شاخص های موفقیت عضو هیأت علمی است. از جمله شاخص های دیگر موفقیت می توان به درآمدزایی هم اشاره کرد.

دلایل عدم موفقیت عضو هیأت علمی

1. عدم شناخت ماهیت شغل و وظایف عضو هیأت علمی

2. عدم آشنایی با آیین نامه ها

3. حضور حداقلی در دانشگاه

4. انگاره های ذهنی غالب ولی غلط (حق ما را خورده اند، باید برای موفقیت میان بر زد و...)

5. روحیه درویش مسلکی و انزواطلبی

مثلاً باید از خودمان بپرسیم چند عضو هیأت علمی دانشگاه (غیر از دپارتمان خودمان) ما را می شناسند؟

چند عضو هیأت علمی رشته خودمان در دانشگاه های دیگر (داخلی و خارجی) ما را می شناسند؟ ما چند

عضو هیأت علمی دانشگاه های دیگر را می شناسیم؟ و...

وظایف استاد نسبت به دانشجو: در این باره ما باید موارد زیر را مد نظر قرار دهیم.

✓ دانشجو نردبان ترقی استاد نیست.

✓ باید جواب دانشجو را بدهیم (تلفن، e-mail و... حتی اگر نمی توانید یا پاسخ شما منفی است)

✓ ما باید نظر واقعی دانشجو را درباره خودمان بدانیم

✓ وظایف استاد در مقابل دانشجو (تزکیه: تحصیل، زندگی، کار، یکرنگی، همدلی)

✓ احترام به دانشجو

✓ آثار باقیه (کمک به دانشجویان در تأسیس و یا حضور در انجمن های علمی دانشجویان)

✓ مراقب آثار آتی حرف هایمان به دانشجویان باشیم

✓ مشارکت دانشجویان در طرح های پژوهشی (ایجاد شغل برای دانشجویان)

در ادامه آقای دکتر نیک بخش در مورد طرح تحول راهبردی و نقش اعضای هیأت علمی در اجرای موفق آن پرداختند و 4 اولویت محوری و راهبردی برنامه را برشمرده و توضیحاتی ارائه نمودند.

۱. سرآمدی همه جانبه در کیفیت

۲. تعامل شبکه ای و میان شبکه ای

۳. خود اتکایی و پایداری

۴. برون گرایی و حضور فعال بین المللی

همچنین اشاره کردند که خوداتکایی 3 بخش دارد. بخش مالی، بخش زیست محیطی و بخش اجتماعی که مربوط به سرآمدی و شکوفایی هیأت علمی و کارکنان می شود.

همچنین ایشان توضیحاتی در خصوص روال های طرح تحول راهبردی ارائه نمودند و از اساتید خواستند که با مراجعه به سامانه الکترونیکی دروس برای ارائه دروس به صورت ترکیبی (blended Learning) اقدام نمایند.

سپس آقای دکتر استادی در خصوص ضوابط و مقررات اخذ پروژه توضیحاتی ارائه نموده و اشاره کردند که مراحل اخذ پروژه شامل قبل از پروژه، حین کار و بعد از پایان پروژه است. معمولاً ما براساس فراخوان یا شناسایی از طرق دیگر می توانیم نسبت به ارائه پروپوزال اقدام نماییم. این فاز در واقع فاز آماده سازی و تهیه پروپوزال است و باید دقت شود که اگر پروژه ای در توان ماست و تیم ما قادر به انجام آن است اقدام به ارائه پروپوزال نماییم. پس از اخذ پروژه مهمترین مرحله زمان بندی پروژه است که می توان از استانداردهای گوناگون برای این مرحله استفاده نمود. نکته مهم این است که زمان باید همیشه در کنترل ما باشد و حتماً از تمام جلسات صورتجلسه تهیه شده و تأیید رسمی سازمان را نیز داشته باشد. یعنی در مرحله که کار پیش می رود باید تأیید آن سازمان گرفته شود. حتی می توان از ضبط صدا و... نیز به عنوان مستندات پروژه استفاده کرد. ما از هر متدولوژی که استفاده می کنیم، حتماً باید آن متدولوژی برای آن سازمان بومی سازی شده باشد و این یکی از مراحل است که در مطالعه تطبیقی باید صورت گیرد. باید تیم ما متشکل از افراد متخصص، توانمند و با تجربه باشد. بهتر است در صورت امکان در اجرای پروژه از یک تیم بین المللی حتماً استفاده نماییم که در این صورت این یک مهر تأیید بر پروژه خواهد بود. باید این مراحل به درستی مدیریت شود و این سبب می شود که آن سازمان تصویر درستی از ما داشته باشد. ما باید آگاهانه در مناقصه ها شرکت نماییم و باید اطمینان داشته باشیم که آیا می توانیم این پروژه را بگیریم یا نه. در غیر اینصورت نباید وارد عرصه مناقصه و مراحل ارائه پروپوزال شویم.

ایشان در ادامه گفتند: ما با دو نوع سازمان مواجه هستیم. سازمان هایی که بلوغ خوبی دارند، مثل مپنا چون این سازمان ها خودشان گروه های ناظر علمی و اجرایی خوبی دارند و تمام مراحل کار شما را چک می کنند. دسته دیگر سازمان هایی هستند که بلوغ خوبی ندارند و در این صورت ما باید کار کنترل تمام مراحل را خودمان انجام دهیم و اگر کار را درست و خوب انجام دهیم وجهه و چهره خوبی از خود به جا می گذاریم. اگر کار با کیفیت انجام دهیم سبب می شود که ما به جاهای دیگر هم معرفی شویم.

در قراردادهایی که می بندیم باید روی پرداخت ها حساس بود. روی بندهای مالیاتی و بیمه ای باید دقت کنیم و از معافیت ها مطلع باشیم تا مشکلی پیش نیاید. مثلاً از کلماتی مانند طراحی در عنوان پروپوزال استفاده نکنیم چون بعضاً تا 16٪ مالیات به آن تعلق می گیرد. می توان از کلمات پژوهشی در زمینه، تحقیقی در زمینه و... استفاده کرد تا بیمه یا مالیات را به حداقل یا صفر رساند. پروژه ها می تواند در سطح ملی، استانی و یا منطقه ای باشد و دانشگاه ها می توانند

با ارائه دستورات عمل‌هایی به اعضای هیأت علمی برای اخذ پروژه‌های مهم کمک نمایند. حتی خود دانشگاه‌ها نیز تسهیلاتی در این زمینه قائل شوند که متأسفانه در حال حاضر این گونه نیست و مالیات بر درآمد حدود (10-20%) کسر می‌شود.

در ادامه مباحث اصلی کارگاه، آقای دکتر شیخ محمدی گفتند: اولین چیزی که وجهه استاد را می‌سازد، تدریس است. اولین مواجهه شما با دانشجو در کلاس و بعد Research است. دانشجو اول تدریس شما را می‌بیند بعد با شما پروژه می‌گیرد. تمام توانمندی استاد از تدریس او شروع می‌شود. چگونه می‌توان یک معلم خوب بود؟ ما باید در آموزش سرآمد باشیم، چگونه؟

1. تمرکز بر مفاهیم و مسائل به جای روش‌ها و راه‌حل‌ها: دانشجویان ما منبعی از روش‌ها و راه‌حل‌ها هستند بدون این که سؤالی داشته باشند. انسانی که سوال ندارد روشنفکر نیست. ترمینولوژی (مفهوم‌شناسی - مفهوم واقعی واژه‌ها را دانستن) باید قبل از متدولوژی باشد. گاهی خودمان درک عمیقی از مفاهیم و واژه‌ها نداریم. برخی کتاب‌ها بوی ترجمه می‌دهد ولی وقتی می‌خوانید حسی به شما نمی‌دهد، چون نویسنده کنجکاوی ذهنی نداشته است.

2. تمرکز بر سیر تاریخی و تحولات علمی به جای توجه صرف به فرآورده‌های علمی

3. حضور به موقع و قبل از دانشجویان در کلاس (احترام آفرین است)

4. توجه کافی در طراحی تمرینها و بازیهای تکالیف دانشجویان

5. توجه به پیش‌زمینه‌های ذهنی دانشجویان

6. بیان ساده و جذاب

7. توجه به مسائل دنیای واقعی به جای تمرکز صرف بر مطالب انتزاعی

8. توجه به شیوه‌های تدریس (استفاده از سخنران مهمان) یا بازدید (بردن دانشجویان نزد سخنران)

9. توجه به اصل تفاوت‌های فردی

10. تعامل با همه دانشجویان (مخاطب شما نباید فقط عده معدودی باشند) در کلاس از طریق سؤال و جواب

بکسری انگاره‌های ذهنی غلط در نزد ما وجود دارد که باید اصلاح شود مثلاً:

1. مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق آورد. این اشتباه است شما باید دانشجو را بر سر ذوق بیاورید نه دانشجو شما را.

2. کار معلم یاد دادن مطالب است. هرگز نمی‌توان چیزی را به کسی یاد داد بلکه تنها می‌توان علایق او را تحریک کرد و او را علاقه مند کرد. این هنر معلم است که چیزی را معرفی کند که دانشجو به آن مطلب علاقه مند شود و دنبال یادگیری آن برود.

تمام تئوری‌ها زاینده زمان و مکان (تاریخ علم) هستند اگر این مطالب در ابتدای تدریس گفته نشود در واقع شما تدریس نکرده‌اید.

در ادامه ایشان مطالبی راجع به آیین نامه ارتقاء و امتیازات هر بخش بیان کردند.